

علاج واقعه قبل تر از وقوع

یک وکیل دادگستری می گوید آموزش
حقوقی و روانی خانواده ها پیش از ازدواج،
نخستین گام در پیشگیری از طلاق است

لیلا جان قربان | یک بخش از طلاق و جدایی را بعد از روان شناسی و زوج درمانگری باید در مباحث حقوقی پیدا کرد. آنجا که پای یک وکیل در میان است. در گفت و گو با دکتر زهراسادات مرتضوی، مدرس دانشگاه در رشته حقوق با تجربه چندین ساله در وکالت پرونده های جدایی و طلاق، به بررسی این اتفاق خانوادگی نشستیم و حاصل تجربه چندین ساله او را در این زمینه نوشته ایم.

خانم دکتر به عنوان یک وکیل که بارها با پرونده های مربوط به طلاق روبه رو بوده اید، فکر می کنید چه چیز باعث رواج این پدیده شده است؟

موضوع طلاق که عنوان بحث امروز ماست در دسته موضوع های چند وجهی قرار دارد که به طور مستقیم با علمی از جمله حقوق، روان شناسی و جامعه شناسی در ارتباط است. طلاق همانند سایر اعمال حقوقی علی القاعده دارای قواعد، آثار و نتایجی است که توسط عالم حقوق این ایقاع بررسی می شود. به نظر بنده در وضعیت کنونی که کانون های خانواده دچار آسیب های جدی هستند، بهتر این است به عوامل روان شناختی و اجتماعی این پدیده بیشتر توجه شود. به عبارتی زمانی می توان در عالم حقوق به این پدیده به تعبیر کلام خداوند به عنوان آخرین راه حل از هم گسیختگی خانواده اندیشید که بستر خانواده از نظر فرهنگی عجین شده با موضوع های روان شناختی و مشاوره باشد. تازمانی که در کانون های خانوادگی جامعه ما برای رشد و توسعه فردی و طبیعتاً برای حل مسئله اختلافات زوجین ارزشی قائل نباشند، نه تنها وکیل و قاضی بلکه سیستم قضایی ولو با به کارگیری حداکثری ساز و کارهای حقوقی و دولتی نمی تواند مانعی برای سیر صعودی این پدیده حقوقی و به تعبیر خداوند «منفورترین حلال ها» شود. در نتیجه باید انقلابی فرهنگی و حقوقی در نهاد خانواده رخ دهد که لازمه آن آگاهی رسانی و ارتقای سطح دانش حقوقی خانواده ها و ترویج فرهنگ مشاوره حقوقی و روان شناسی در جامعه ایرانی و اسلامی است.

در کدام بازه زندگی مشترک، طلاق بیشتر اتفاق می افتد؟

ممکن است جامعه آماری کشور، طلاق را در همه سنین گزارش کند، اما متقاضیان طلاق در جامعه ایرانی در دو دوره پررنگ تر است. یکی سال های اولیه



ازدواج است، به تعبیری علاج واقعه را کمی قبل تر از وقوع باید کرد. این کمی قبل تر، به قبل از ازدواج برمی گردد. چرا؟ چون اگر ازدواجی مبتنی بر اصول روان شناختی، فرهنگی و اجتماعی انجام شود، به طور قطع توالی فاسد کمتری دارد. نه اینکه بگوییم اگر ازدواجی بر این مبنا شکل بگیرد دیگر به طلاق منجر نمی شود، منظور این است دیرتر و کمتر در ورطه مشکلات پیش پا افتاده زندگی که موجب طلاق می شود، خواهند افتاد. زیرا علاج واقعه را قبل از وقوع کرده اند.

افراد با شناخت بزنگاه های مشکل ساز و شناخت راهکار مقابله با آن، بهتر می توانند مانع از هم گسیختگی زندگی مشترک شوند. این مرحله خودش دو قسمت دارد، اول اینکه فرزندان را با مهارت های زندگی پرورش دهیم و آموزش و مهارت های ارتباطی را از دوران کودکی به فرزندان بیاموزیم، این ها همه آموزش عملی لازم دارد نه تئوری. مرحله دوم فرض را بر این بگذاریم در مشاوره های قبل از ازدواج به نبود رشد و توسعه فردی زوجین در یک یا چند بعد پی برده بشود. اینجا نگوییم حالا ازدواج می کنند در کنار یکدیگر کامل می شوند و ازدواج اکمال دین است. این حدیث اصلاً ربطی به این مقوله ندارد. اینجا حرف بنده به مشاوران قبل از ازدواج است؛ عزیزان! شما تکلیف دارید که ضمن آگاهی دادن به مراجعان اگر موردی به رشد فردی بیشتر نیاز داشت ضمن آگاهی دادن به نوعی تارفع آن نقیصه مانع این ازدواج باشید و آن ها را به سمت خودسازی و رشد سوق دهید. بعد از اصلاح و رشد بالاتر، آن زمان توصیه بر ازدواج بشوند.

گام دوم، اقدامات پسینی و ترمیمی است؛ یعنی زمانی که شناخت کافی پیش از ازدواج صورت نگرفته یا در طول زندگی تغییراتی در رفتار و نگرش زوجین پدید آمده است. در چنین شرایطی، راهکار اصلی برای

زندگی که زوجین از پختگی کامل برخوردار نیستند و سرد و گرم روزگار را انچشیده اند و نگران آینده زندگی متاهلی هستند، سال های اول ازدواج و اغلب تا قبل از فرزندآوری است و دیگری در سنین میان سالی که امروز موجب افزایش طلاق های خاکستری شده و این هم ناشی از انباشته شدن مشکلات زوجین، ناتوانی در حل مشکلات، مراجعه نکردن به زوج درمانگر و درمانگر فردی، نبود کانون گفتمان در خانواده و... است.

عمده مشکلات مشترک متقاضیان طلاق چیست؟

اختلافات فرهنگی، فاصله های طبقاتی و توجه نکردن به هم کف بودن، نداشتن بلوغ فکری و رفتاری، مشکلات اقتصادی، رعایت نکردن حریم خصوصی، بی احترامی و دور شدن هر چه بیشتر آحاد جامعه از معنویت و مفاهیم اخلاقی، رعایت نکردن حقوق یکدیگر و... از جمله این مشکلات است.

بیشتر متقاضیان طلاق مردان هستند یا زنان؟

در هر دو گروه جنسیتی متقاضی طلاق وجود دارد. اگر نگاه جزئی تری داشته باشیم می توانیم علل و انگیزه های طلاق را در این دو گروه جنسیتی متفاوت تر ببینیم. از نظر آماری (منظور مؤسسه وکالت و مشاوره حقوقی شخصی بنده است)، متقاضیان طلاق اغلب خانم ها هستند، البته بدون فرض طلاق توافقی.

با تجربه ای که داشته اید آیا راهی برای پیشگیری هست؟

روش های پیشگیری با توجه به رده های سنی متقاضیان طلاق متفاوت است. به دلیل اینکه علل و انگیزه طلاق متفاوت است. به نظر بنده گام اول و مهم برای پیشگیری از طلاق مربوط به قبل از